

Capacities of *Shahnameh* to Reproduce Symbolic Capitals in Urban Identity

 Fahimeh Taherimoghaddam¹,  Zahra Jamshidi^{*2},  Ali Sadeghimanesh³

¹. PhD Candidate in Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

^{2*}. Associate Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

³. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
03/03/2025

Accepted:
27/09/2025

ABSTRACT

Today, urban spaces have many problems in theoretical and practical fields. In the theoretical field, the lack of a comprehensive and harmonious model with authentic Iranian foundations is the concern of many researchers and theoreticians of this field. In the practical field, imitating western urban planning patterns without considering cultural and traditional capacities has led to the construction of many spaces and buildings that are not very acceptable; Following that, the identity of the cities has undergone various changes and transformations; This doubles the importance of paying more attention to cultural-social capitals. Among these cultural capitals is Ferdowsi's *Shahnameh*. Although Ferdowsi's book is a world of conflicts, movements, battles for growth and progress, it can be said that this great book is a cultural charter that contains a huge part of the stability of Iranian identity. As it is a suitable capacity to build symbolic capitals. The current research, using the descriptive-analytical method and using documentary and library sources, seeks to explain how to use this cultural capital to create symbolic capital in urban and rural spaces and strengthen the urban identity by relying on it. did Relying on the capital capacity symbolized by Ferdowsi's narratives, it is possible to build a resilient identity and sustainable development of cities; Reliance on this sustainable development can rely on cultural and literary tourism.

Keywords: *Shahnameh*, symbolic capital, Pierre Bourdieu, city, urban identity

Cite this article: Taherimoghaddam, Fahimeh; Jamshidi, Zahra; Sadeghimanesh, Ali. (2025), *Capacities of Shahnameh to reproduce symbolic capitals in urban Identity*. Interdisciplinary research in persian Language and literature, Vol. 4, New Series, No.1, spring and summer 2025: pages:319-344.

DOI: 10.30479/irpli.2025.21725.1265



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Zahra Jamshidi

Address: Sabzevar, Hakim Sabzevari University.

E-mail: z.jamshidi@hsu.ac.ir



دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی

شاپا چاپی: ۰۷۶-۲۸۲۱۸

شاپا الکترونیکی: ۰۷۷۸-۲۸۲۱

سال چهارم، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان، ۱۴۰۴



ظرفیت‌های شاهنامه برای بازتولید سرمایه‌های نمادین در هویت شهری

^۱id فهمیه طاهری مقدم، ^۲id زهرا جمشیدی، ^۳id علی صادقی‌منش

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۱۲/۱۳

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۷/۰۵

امروزه فضاهاى شهری، دچار مسائل متعددى در حوزه‌هاى نظرى و عملى هستند. در حوزه نظرى نبود الگوى جامع و هماهنگ با مبانی اصیل ایرانی دغدغه بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازان این رشته است. در حوزه عملی نیز تقلید از الگوهای شهرسازی غربی بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های فرهنگی و سستی، منجر به احداث فضاها و بناهای متعددی شده است که از مقبولیت چندانی برخوردار نیستند؛ به‌دنبال آن، هویت شهرها نیز دچار تغییر و تحولات گوناگون شده است؛ همین امر، اهمیت توجه هر چه بیشتر به سرمایه‌های فرهنگی - اجتماعی را دوچندان می‌کند. از جمله این سرمایه‌های فرهنگی، شاهنامه فردوسی است. هرچند کتاب فردوسی، دنیایی است از جدال‌ها، جنبش‌ها، نبردها برای رشد و پیشرفت اما می‌توان گفت این کتاب بزرگ یک منشور فرهنگی است که بخش عظیمی از پایداری هویت ایرانی را در خود جای داده است. آنچنان‌که ظرفیتی است درخور برای برساختن سرمایه‌های نمادین. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای در پی تبیین این موضوع است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از این سرمایه فرهنگی، به آفرینش سرمایه نمادین در فضاهاى شهری و روستایی پرداخت و هویت شهری را با اتکا به آن تقویت کرد. با تکیه بر ظرفیت سرمایه‌های نمادین‌شده از روایت‌های فردوسی، برساختن هویتی تاب‌آور و توسعه پایدار شهرها، امکان‌پذیر است؛ اتکای این توسعه پایدار، می‌تواند متکی بر گردشگری فرهنگی و ادبی باشد.

کلمات کلیدی: شاهنامه، سرمایه نمادین، پی‌یر بوردیو، شهر، هویت شهری.

استناد: طاهری مقدم، فهمیه؛ جمشیدی، زهرا؛ صادقی‌منش، علی. (۱۴۰۴). ظرفیت‌های شاهنامه برای بازتولید سرمایه‌های نمادین در هویت شهری. دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال چهارم، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۴: ۳۱۹-۳۴۴.

DOI : 10.30479/IRPLI.2025.21725.1265



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

* نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: z.jamshidi@hsu.ac.ir

۱. مقدمه

اگرچه متون تاریخی، دربارهٔ مناسبات میان انسان و فضای اجتماعی و شیوه‌های شکل‌گیری تمدن‌ها و شهرها اطلاعاتی اندک ارائه می‌کنند، اما برای درک نوع نگاه هنری و فرهنگی هر دوره به شهر و هویت شهری، بازخوانی متون ادبی رهگشا و ضروری است. شاهنامه به‌عنوان یکی از متون تأثیرگذار در ادبیات، نقشی مهم در معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی داشته و می‌توان آن را اثری تأثیرگذار بر ادراک شهرسازان و معماران از شهرسازی و معماری کهن در نظر گرفت. فردوسی ضمن بیان مباحث انسانی و اجتماعی، با به‌تصویر کشیدن صحنه‌های وقوع جنگ، مناطق فرمانروایی پادشاهان و دلایل ساخت شهرها... ساختار جغرافیایی پی‌ریزی می‌کند و با این تلفیق، خواننده را با موقعیت وقایع داستانی درگیر می‌کند. اگرچه گاهی این توصیفات با عناصر اساطیری آمیخته شده‌اند، اما نگاهی اجمالی به سبک‌های معماری، نوعی از ساختارهای اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی رایج در ایران باستان را ارائه می‌دهند. این‌گونه توصیف‌ها در شاهنامه، نه‌تنها جنبهٔ تزئینی ندارند، بلکه به‌طور فعال در ساختار روایی و معنایی این اثر حماسی سهیم هستند. تأثیرپذیری معماری از آثار شاخص معماری گذشته، امری آشکار و روشن است؛ سردر موزه ایران باستان و سردر دانشگاه تربیت مدرس، برگرفته از ایوان مدائن هستند. برخی دیگر از آثار همچون برج آزادی نیز بی‌تأثیر از این ایوان نبوده‌اند. از سوی دیگر کارکرد تشریفاتی - آیینی ایوان در برگزاری مراسم‌ها را می‌توان در تخت جمشید، ایوان و فضای چهل‌ستون در زمان صفویان و تخت مرمر در دورهٔ قاجار یافت (سلطان‌زاده: ۱۳۹۶، ۱۲۲). این دست از معماری‌ها و شاخص‌های شهری، پیش‌تر در رسانه‌ها و متن‌های دیگر، دورهٔ تکوینی را سپری کرده‌اند و نقش شهر، تکثیر و جلوگیری از فراموشی آن‌هاست. (نامور مطلق، ۱۳۹۲: ۲۳۵). روایت‌های موجود در شاهنامه که در آن به عناصر معماری ایرانی اشاره شده، می‌تواند به‌عنوان یکی از اصیل‌ترین منابع مکتوب بر جای مانده از زبان فارسی، به کار پژوهشگران این حوزه بیاید. برخی از این روایت‌ها بیانگر کارکرد عناصر معماری در دوران گذشته هستند.

۲. بیان مسئله پژوهش

توجه و تأکید نظام برنامه‌ریزی کشور بر سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، ما را از توجه به دو سرمایه مهم دیگر دور کرده است؛ بدون توجه و تأکید بر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی (به‌ویژه از نوع نمادین آن) نه‌تنها کارکرد سرمایه‌های دیگر مختل می‌شود که جای ندادن سرمایه‌هایی از این جنس در برنامه جامع توسعه، مانع از توسعه پایدار می‌گردد. سرمایه‌های نمادین مانند حلقه‌های اتصال عناصر اجتماعی هستند که پیرامون آن‌ها همکاری، مشارکت و تحول‌آفرینی صورت می‌گیرد. در حالت بسیار عادی،

سرمایه‌های نمادین جاذبه گردشگری هستند و موجب جذب سرمایه و درآمد می‌شوند؛ اما گاهی پا را فراتر نهاده با توجه به ظرفیت‌هایی که در تاریخ و ادب و هنر یک کشور وجود دارد امکان بازتولید سرمایه‌های نمادین را فراهم می‌کند. یکی از این ظرفیت‌های غنی، ادبیات هر کشور است و یکی از این وجوه برای بازتولید، حوزه شهرسازی و معماری است. در این پژوهش سعی شده است بر ظرفیت‌های کمتر شناخته شده شاهنامه در تقویت هویت شهری و توسعه پایدار کار شود و با توجه به آرای پی‌یر بوردیو و مبحث سرمایه‌های نمادین او به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه می‌توان مفاهیم به‌کاررفته در شاهنامه را در شهرسازی و معماری امروز ایران نیز وارد و بازتولید کرد؟ با تکیه بر گزاره‌ها و مکان‌های توصیف‌شده در شاهنامه، می‌توان به بازتولید سرمایه نمادین از مکان‌های جغرافیایی موجود در حوزه فرهنگی - تمدنی ایران کهن پرداخت.

۳. اهمیت و پیشینه تحقیق

درباره موضوع پژوهش حاضر، پژوهش‌های محدودی صورت گرفته است. کریمان (۱۳۷۵) با تألیف کتابی در شش بخش به معرفی و شرح مکان‌ها و موقعیت کنونی آن‌ها در شاهنامه می‌پردازد. جنیدی (۱۳۸۹) معتقد است که با بهتر شدن وضعیت آب‌وهوا و گسترش جوامع آریایی و همچنین نیاز مادران جهت حفاظت از کودکانشان در دوران مردسالاری، تمایل به یکجانشینی افزایش یافت و این تمایل منجر به تشکیل روستاها و سپس شهرهای اولیه آریایی شد. بیرمی (۱۳۸۹) با توجه به نقشه‌های نخستین جغرافی‌دانان اسلامی و نقشه شاهنامه فردوسی و نیز اصول کاربردی علم جغرافیا، ایران کهن و بعضی از کشورهای مهم و بنیادی شاهنامه را با ظاهر و خصوصیات جدید جغرافیایی خود در انطباق قرار داده است و از اصطلاح جدید «جغرافیای ادبی» می‌گوید. رنانی (۱۳۹۰) نیز به وجوه مختلف سرمایه نمادین و لزوم توجه هر چه بیشتر به آن برای رشد و توسعه همه‌جانبه یک کشور اشاره می‌کند. همچنین لیبی پورتر و کیت شاو (۱۳۹۲) با ذکر مصداق‌هایی به مقایسه موج جدید بازسازی شهرها در نقاط مختلف جهان پرداخته‌اند. یوسفی و ضرابی (۱۳۹۵) به نقش فردوسی و آگاهی همراه با ظرافت او در استفاده از عناصر شهری چون ایوان، گنبد و... پرداخته‌اند. سلطان‌زاده (۱۳۹۶) به بررسی شهرنشینی، دژها، شهرها و ایوان و مداین و برخی خصوصیات طراحی، معماری و شهری می‌پردازد. او ضمن توجه به الگوی سکونتگاه تاریخی - اسطوره‌ای در ایران باستان، سلسله‌مراتب اجتماعی انواع فضاها در ایران را نیز مورد بررسی قرار داده است. همچنین سیدی فرخند (۱۳۹۸) مواضع جغرافیایی شاهنامه و سیر تحول تاریخی و جغرافیایی آن را در طول زمان مورد بررسی و کاوش قرار داده است. اصلانی و تقی‌پور (۱۳۹۸) براساس پیرایش خالقی مطلق در پی

شناسایی و جانمایی اعلام جغرافیایی شاهنامه هستند. منصوری (۱۴۰۰) با استفاده از برداشت‌های میدانی و منابع مکتوب به این نتیجه رسیده است که مبانی و اصول فرهنگ ایرانی و اسلامی در طراحی فضاهای شهری امروزی به فراموشی سپرده شده است. صادقی‌منش (۱۴۰۱) نیز بر نقش پررنگ روایت‌های اسطوره‌ای در به‌سازی و بازسازی شهرها تأکید می‌کند؛ ازسویی هم‌سانی و هم‌سویی‌هایی میان شهرسازی و روایت‌گری اسطوره‌ها وجود دارد که توجه به آن می‌تواند موجب تقویت هویت یک شهر و درونی‌سازی تمایل به به‌سازی و بازسازی آن شود. صاحب‌محمدیان و حاتمی‌مجد (۱۴۰۱) در مقاله‌ای براساس متون تاریخی و گزارش‌های باستان‌شناسی، به بررسی وجود رابطه احتمالی میان ساختارهای خشتی در تپه هگمتانه با شهر اسطوره‌ای ورجمکرد پرداخته‌اند.

به‌نظر می‌رسد هرچه پژوهش در حوزه شاهنامه را گسترش دهیم و از زوایای جدید و گوناگون به آن نگاه کنیم از یک‌سو با بخشی از هویت ایرانی و چه‌بسا اسلامی در عصر سامانی و اثرگذاری آن در شکل‌گیری شهرنشینی و از سوی دیگر غنی‌تر شدن فرهنگ جامعه ایرانی روبه‌رو می‌شویم. از سوی دیگر هر روز که پیش می‌رود چشم‌انداز و روند تغییرات در حوزه شهرسازی نیز دچار دگرگونی می‌شود.

۴. روش تحقیق

این پژوهش گرچه در تحلیل‌ها به پژوهش‌های بنیادی و نظری نزدیک شده است، در پیشنهاددهی و ارائه راهکارها، در عمل به پژوهش‌های کاربردی نزدیک می‌شود. روش تحقیق در این پژوهش به‌صورت توصیفی - تحلیلی با شیوه کتابخانه‌ای است که با مراجعه به کتابخانه و منابع مرتبط صورت گرفته است. برای یافتن اطلاعات، مقایسه و تحلیل داده‌های مربوط به کتب و مقالات مرتبط با شاهنامه و نیز شهرسازی و هویت شهری مراجعه شده و نظریات پی‌یر بوردیو نیز با بهره‌گیری از آثار وی و نیز مقالات پیروانش گردآوری شده است.

۵. مبانی نظری تحقیق

۵-۱. بحران هویت در شهرسازی و معماری معاصر

با نگاهی به گذشته می‌توان گفت که ظهور شهرها همراه با ایجاد تغییر در طبیعت بوده است و آنچه تاکنون به‌عنوان ساختار و بافت شهرها در نقاط مختلف جهان شکل گرفته است مجموعه‌هایی ناهمسان بوده‌اند که با تقلید و الگوبرداری‌های ضعیف و البته ناقص، غفلت از بنیان‌های اعتقادی و ارزشی، میراث تمدنی، زمان، مکان، زمینه‌های فرهنگی و هویتی و همچنین بی‌توجهی به نیازهای آینده و آیندگان، آشفتگی‌هایی را در شهرها موجب شده است که درنهایت منجر به ناهماهنگی،

ناموزونی و به نوعی سردرگمی در هویت معماری و شهرسازی شده است. با ورود به عصر مدرنیته و در پی افزایش سرعت و عمق تغییرات، حفاظت از شاخصه‌های هویتی با چالش‌های بیشتری مواجه شده است. «شهری که در کنار توسعه شهری خود به هویت تاریخی و گذشته خویش نگاهی نداشته باشد به دلیل بی‌هویتی و نداشتن نمادهای تاریخی در طول زمان حذف خواهد شد» (عاملی، ۱۳۹۶: ۲۰).

در گذشته، شهرها یک کل بودند و سایر اجزای آن‌ها براساس آن کل شکل می‌گرفت. این کلیت در جزئیات شهر هم مشهود بود و هر جزئی، نقشی در شکل‌دهی هویت کل داشت. حال آن‌که شهرهای کنونی، فاقد کلیت معناداری هستند؛ به این معنا که عناصر و کاربری‌های شهری همچون خیابان‌ها، مناطق تجاری، فضاهای سبز، ایستگاه‌های اتوبوس و... به عنوان موجوداتی مستقل و بدون ارتباط با سایر اجزاء طراحی می‌شوند و بیشتر تک‌کاربردی‌اند (بحرینی، ۱۳۹۳: ۸۲). از این رو، ساخت شهرها نیز تغییر کرده و با رشد بی‌رویه شهرنشینی و شهرگرایی، گسترش بی‌اصول و بی‌برنامه کلان‌شهرها، مفهوم منطقه شهری به هم خورده و شبکه شهری از هم گسیخته‌ای شکل می‌گیرد (حبیبی، ۱۳۹۵: ۷۰) که نه ارتباط فرهنگی با تاریخ و گذشته دارد و نه ارتباط مفهومی و کارکردی با یک زندگی مطلوب و ایده‌آل را دارد.

رشد سریع شهرها در سطح، عمق، ارتفاع و تعدد معابر را در پی داشت. ضمن آنکه سیما و کاربری‌های شهر دچار تغییر شده است، شهر با مشکلات متعدد و فزاینده زیادی روبه‌رو گردیده که اجرای طرح‌های جامع و تفضیلی شهری، کمکی به حل این مشکلات فزاینده نکرده است. بدین ترتیب، شهرنشینی به صورت غیرارگانیک توسعه یافت (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۷۶). این رشد افسار گسیخته شهرها در ایران که ناشی از درآمدهای نفتی و سیاست‌های توسعه روزافزون شهری بود، جریان مدرنیسم را در ایران بیش از پیش تشدید کرد. اغلب شهرهای ایران، با برج‌های عظیم بتنی و فولادی، چهره جدیدی به خود گرفتند که در نهایت به تغییر کلی مورفولوژی شهرها منتهی شد (عامری و زند، ۱۳۹۳: ۲۱۸). در ابتدا این نوع سبک شهرسازی، با مقبولیت عام مواجه شد؛ چراکه همگان آن را نمادی از توسعه و پیشرفت می‌انگاشتند؛ اما با سپری شدن چند دهه معلوم شد که این نوع سبک برای شهرهای ایرانی مناسب نیست و هیچ نوع همخوانی با فرهنگ این بوم ندارد. طراحی اکولوژیکی در بعضی از کشورهای پیشرفته به نتایج خوبی رسیده است؛ اما هنوز و با توجه به مسائل عدیده شهرهای ایران، از نظر زیست‌محیطی و کیفیت زندگی، تحولی صورت نگرفته است و همین امر، نقش پررنگ سنت، فرهنگ و گذشته را در طرح‌های شهری، نمایان می‌سازد.

۵-۲. شهر و ادبیات

مقوله شهر به عنوان بستر زندگی در نگاه ادیبان، هنرمندان، مهندسان، معماران از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با مطالعه آثار برجای مانده از پیشینیان، تصویری از نگاه ایشان به خود و هستی، شیوه زیست و هویت ایشان به دست می‌آوریم و در کل ابعاد هویتی ایشان را از خلال آثارشان درمی‌یابیم (منصوری، ۱۴۰۰: ۳۱).

«شهر بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین متنی است که انسان می‌آفریند و کلان‌شهرها، کلان‌ترین متنی هستند که به دست بشر ساخته می‌شوند؛ متنی که گفتمان‌های گوناگون را در خود جای می‌دهد؛ هیچ متنی به میزان شهر در خود، پذیرای آثار و بافت‌های متنوع نیست» (نامورمطلق، ۱۳۹۲: ۴۲۴). همین وضعیت موجب پیچیده شدن مطالعه شهر می‌شود. بر این اساس، شهرسازی و معماری همانند هر ساخته و پرداخته انسانی، یک امر فرهنگی است. به همین دلیل، هر فرهنگی دارای ویژگی‌های شهری خاص خود است؛ بنابراین جای تعجب ندارد که فرهنگ‌ها، با توجه به خصوصیات فکری و دینی، تاریخی و اجتماعی و همچنین اقلیمی، شهرسازی خاص خود را دارند. اما شهر، تنها معرف ماهیت فرهنگ نیست. بلکه همانند بسیاری و حتی بیشتر از هر هنر دیگری هویت‌سازی می‌کند (باندز، ۱۳۹۵: ۸۲). زیبایی‌شناسی شهر و معماری هر جامعه‌ای، برخاسته و برگرفته از باورها و تخیلات آن جامعه است. بر همین اساس، در فرهنگ غرب، واژه‌ای به نام آسمان‌خراش به وجود می‌آید؛ حال آن‌که، در اندیشه اصیل ایرانی - اسلامی، معماری هیچ‌گاه آسمان را نخراشیده و به آن نشوریده و نخروشیده است.

ادبیات به معنای حقیقی، آینه‌ای است که در آن مقام جای‌ها و کسان و چیزها بر ما عیان می‌شود و احترام‌ها به جای آورده می‌شود. درباره شناختن مقام و جایگاه شهرها، نیز وضع به همین منوال و ترتیب است و به تعبیری «ادبیات فارسی»، محملی است که می‌توان در آن شأنیت شهرها را سراغ گرفت. ادبیات چه منظوم و چه منثور، خود حاصل خیالی است که هنرمند در سر پرورانده و واسطه‌ای است برای انتقال این خیال به دیگران. خیالی که در قالب ادبیات ریخته می‌شود؛ ممکن است درباره یک شهر باشد؛ ادبیات فارسی مملو از متونی است که به اهداف مختلف درباره شهرها نوشته شده است. در این میان برخی قصه‌ها، ضمن معرفی مختصات مکانی شهری، از وضعیت طبیعی و تاریخی شهر گرفته تا علما، فضلا، دانشمندان و هنرمندان، به اختصار یا تفصیل سخن می‌آید.

آن‌چنان که بر می‌آید ظهور مصالح و فناوری‌های نو در کنار خلاقیت معماران و مهندسان شهرساز و بهره بردن از فرهنگ و ادبیات همیشه منجر به ظهور آثار بدیعی در این عرصه می‌شود. فضای معماری بر

مبنای مفاهیم فرهنگی در عرصهٔ زمان به رشد و تعالی می‌رسد و در بعد مکان تجلی می‌یابد. به نظر می‌رسد میان فرهنگ و معماری رابطه‌ای دو سویه، متقابل و پویا در جریان است که فقر و حضور یکی از آنان به فقر و حضور کمرنگ دیگری منجر می‌شود.

۳-۵. بوردیو و مفهوم سرمایه نمادین

بنیان‌های نظری پژوهش پیش‌رو، بر دیدگاه‌های پی‌یر بوردیو استوار شده است. تعاریف تازهٔ این پژوهشگر از گونه‌های سرمایه، موجب دگرگونی نگاه پژوهشگران به شیوه‌های سرمایه‌گذاری و توسعهٔ پایدار در جهان شد. این نظریات به‌ویژه از این منظر اهمیت دارد که در ایران و میان عامه، هنوز وقتی از سرمایه سخنی به میان می‌آید، منظور صرفاً دارایی‌های مادی‌ای است که به شکل پول، فلزات گران‌قیمت، ملک و موارد مشابه نگهداری می‌شوند؛ این تصور عمومی البته بر برنامه‌ریزی‌های شهری نیز تأثیرگذار بوده‌است و برنامه‌ریزان این عرصه نیز، هرگاه خواسته‌اند بنای توسعهٔ یک شهر را بنیان نهند، بیشتر بر سرمایه‌های مادی اتکا کرده‌اند؛ به همین دلیل است که با هر نوسان در بازار سرمایه‌های مادی، بنای توسعهٔ شهرها با چالش‌های جدی مواجه شده و توسعهٔ پایدار در برخی مناطق به امری دست‌نیافتنی مبدل شده‌است. نوع نگاه پی‌یر بوردیو به انواع سرمایه، می‌تواند این شکل از برنامه‌ریزی را متحول کند و افزون بر کسب توسعهٔ پایدار، تقویت‌کنندهٔ هویت شهری باشد.

از دیدگاه بوردیو جامعهٔ مدرن، جامعه‌ای است که در آن، وحدت اولیهٔ موجود جامعهٔ سنتی بر اثر عوامل بیرونی، تقسیم کار و تخصصی شدن از بین رفته و به فضاهای خُرد بی‌شماری تجزیه شده که هرکدام بر محور یک سرمایه قرار گرفته‌اند و قوانین و کارکرد خاص خود را دارند. بوردیو این فضاهای خُرد را میدان می‌نامد (محمدی، ۱۳۹۸: ۱۰). میدان مفهوم اساسی در نظریات پی‌یر بوردیو است. میدان از یک سو فضای ساختمندی از جایگاه‌هاست. قدرتی است که تصمیمات مشخص خود را بر کسانی که وارد آن می‌شوند، تحمیل می‌کند. از این رو هر کسی که می‌خواهد وارد میدان شود، باید دارای حداقلی از سرمایه باشد. به عبارت دیگر میدان مانند نوعی بازار رقابتی است که در آن، انواع سرمایه‌ها (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) به‌وجود می‌آیند، رشد می‌کنند، تغییر شکل می‌دهند و گاهی تضعیف می‌شوند و از بین می‌روند. درواقع آنچه باعث شکل‌گیری میدان می‌شود و میدان به‌دنبال دست‌یابی به آن است، هدفی روشن و بنیادی است: تولید، حفظ و بازتولید سرمایه (Bourdieu, 1983: 333,335).

اما سرمایه عبارت است از کار انباشته‌شده (در شکل مادیت‌یافته یا شکل متجسد و پیکریت‌یافتهٔ آن) که وقتی بر مبنایی خصوصی، یعنی انحصاری، به تصرف عاملان درمی‌آید، آنان را قادر می‌کند تا نیروی اجتماعی را در شکل کار عینیت‌یافته یا جاندار به تصرف درآورند (Bourdieu, 1986: 1). مفهوم

سرمایه در نظام فکری بورديو در معنایی گسترده‌تر از حوزه مبادلات اقتصادی و دارایی‌های مالی به کار گرفته شده است. بورديو در کنار سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی به مؤلفه دیگری با نام سرمایه نمادین می‌پردازد (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۷۱). سرمایه نمادین نوع تغییر شکل یافته و نمادین شده از سایر سرمایه‌ها است. هر نوع سرمایه که به مرحله‌ای رسد که از نگاه مردم چنان اهمیتی یابد که تبدیل به نماد شود سرمایه نمادین است (درینی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۸).

با توجه به اندیشه و آرای بورديو، می‌توان استنباط کرد که وی در نظریه جامعه‌شناسی خود درصدد اثبات این مطلب است که جامعه قبل از هر چیز یک نظام سلطه است که سازوکارهایی را به کار می‌گیرد تا بتواند خود را بازتولید کند. بورديو در این مسیر مفاهیمی کلیدی را خلق می‌کند و سپس درصدد تطابق آن‌ها با واقعیات، در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی برمی‌آید. وی عرصه اجتماع را به میدانی تشبیه می‌کند که نیروهای مختلف اجتماعی، هرکدام با منش‌ها و سرمایه‌های متفاوت (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین) در آن وارد می‌شود و با یکدیگر برای دستیابی به بیشترین امتیازات مادی و غیرمادی به رقابت و مبارزه واقعی و نمادین می‌پردازند.

۴-۵. شهر در شاهنامه

واژه شهر در نوشتارهای پارسی میانه و نوین، گستره‌ای از مفهوم‌ها؛ از آبادی بزرگ با خیابان‌ها و کوچه‌ها و خانه‌ها و دکان‌ها و سکنه بسیار گرفته تا کشور، پادشاهی، ملک، سرزمین، خطه، قلمرو - پایتخت تا کاربرد مجازی شهروند، ملت و یا کاربرد کنایی اندرون و روان را دربرمی‌گیرد؛ از این رو اهمیت شاهنامه فقط در جنبه ادبی و شاعرانه آن خلاصه نمی‌شود چراکه پیش از آن که مجموعه‌ای از داستان‌های منظوم باشد، سند بسیار دقیق از ایران کهن، با تصویرسازی موشکافانه است که حاوی توصیف‌ها و نکته‌های بسیار درباره شهرسازی و معماری ایران است.

گرچه در شاهنامه فردوسی، دیرینگی بر ساختن سکونتگاه انسانی به دوره کیومرث بازمی‌گردد، برپایی تمدنی اساطیری، به معنای مصطلحش، نخستین بار توسط جمشید، انجام می‌شود آن‌جا که بر طبق وندیداد، ازسوی اهورامزدا به جمشید، فرمان داده شد که سکونتگاهی بسازد که شکل آن مربع و طول هر ضلع آن به اندازه یک میدان اسب باشد (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۵۹). «در شاهنامه، اصطلاح شارسن در معنای شهر درون برج و بارو با کاخ‌ها، بستان‌ها و همه امکانات زندگی مدنی به کار رفته و شاهنامه از مهم‌ترین منابع ادبی است که می‌تواند شارسن آرمانی را به تصویر بکشد» (باستانی‌راد، ۱۳۹۳: ۹۸۹).

اقامتگاه نزدیکان فرمانروا در اطراف این شار قرار دارد و این بخش نیز با حصار بلند از بخش دیگر که محل نظامیان است جدا می‌شود؛ بخش نظامیان نیز با حصار دیگر از شهر جدا می‌شود که محل

اقامت مردمان عادی و بازار است (فردوسی، ۱۳۷۳: ۲۴۱/۴). می‌توان گفت فلسفه وجودی شارستان‌ها، دفاع است که هم ضمانتی برای ثبات اقتصادی و هم حافظ سرزمین‌ها و جهان‌بینی حاکم بر مردمان است. در یادکرد شاهنامه، از ۴۷ شهری که در پهنه جغرافیایی معاصر ایران احداث شده‌اند، تنها آثار و بقایایی از ۸ شهر کهن باقی مانده است که در مجاورت آن‌ها سکونتگاه‌های جدیدی بنا شده است و دیگر شهرها در طی قرون و اعصار از میان فراز و نشیب‌ها، همچنان بر جای مانده‌اند.

۶. بحث و بررسی

۶-۱. جایگاه میدان‌ها و گونه‌شناسی سرمایه در توصیف شاهنامه از شهر

به دلیل پیشینه تمدنی ایران، همواره به جغرافیای تاریخی این کشور اهمیت داده شده است. شاهنامه به منزله مرجعی مهم در ارائه گزارش‌های تاریخی، اهمیت ویژه‌ای به این موضوع داده است. شناخت این مناطق، بناها و شهرها که ذکرشان در شاهنامه آمده است، می‌تواند زمینه‌ساز درک ظرفیت‌های شاهنامه برای نمادین‌سازی سرمایه‌های آن‌ها باشد. البته قصد پژوهش پیش‌رو ذکر این ابنیه و شهرها نیست؛ چراکه پیش‌تر در آثار سایر پژوهشگران، به‌صورت فرهنگ‌هایی مستقل آمده است؛ مقصود از این یادکرد، یادآوری شهرها و بناهایی است که با راهبرد پیشنهادی ما امکانات افزون‌تری برای تبدیل به سرمایه نمادین دارند.

شهر به‌عنوان یک پدیده در نتیجه میدان‌های متفاوت شکل می‌گیرد، رشد می‌کند و توسعه می‌یابد. در میدان قدرت شهر، مدیران شهری، بر ساکنان شهر دارای استیلا هستند و به بیشترین میزان سرمایه دسترسی دارند که با روابط پایدار و پیوسته و نابرابری که در درون این میدان اتفاق می‌افتد، توان و سرمایه خود را به نمایش می‌گذارند (شویره و فونت، ۱۳۸۵: ۱۳۷). بوردیو به سرمایه، جهتی ورای درک پیشینیان می‌دهد و از جنس سرمایه‌های دیگر، از جمله فرهنگی سخن می‌گوید. «سرمایه فرهنگی هم ارزش فرهنگی می‌آفریند و هم ارزش اقتصادی» (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۶۶). بر این اساس، می‌توان گفت توصیف‌های فردوسی از چگونگی و خلق شهرها، از جمله سرمایه‌های فرهنگی است که با هویت تاریخی و فرهنگی خود، عامل شکل‌دهی هویت جمعی مناطق یادشده است.

این سرمایه‌های نمادین هستند که به شهرها اعتبار، هویت و نظم می‌بخشند (زنجان‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۷). به میزانی که بتوانیم سرمایه‌های فرهنگی را به سرمایه‌های نمادین مبدل کنیم، می‌توانیم نوعی از انسجام در عین تنوع، نوعی از وحدت و یکپارچگی فضایی و کالبدی در عین پذیرش چندصدایی را میسر سازیم. دارایی‌هایی که دارای ارزش فرهنگی - معنوی هستند در هر جامعه انسانی متفاوت هم عمل خواهند کرد که البته گاهی سویه و جهت کاربردی و نمادین هم کسب می‌کنند. به‌گونه‌ای که در

بعضی جوامع نقش این سرمایه‌ها در پایداری و کامیابی اجتماعات و سکونتگاه‌های انسانی بسیار پررنگ است؛ اما از سویی دیگر، سرمایه‌های نمادین، برخلاف دیگر دارایی و سرمایه‌های کالبدی دیگر به راحتی تخریب و به سختی گردآوری و انباشته می‌شوند (عارفی، ۱۳۹۶: ۳۸).

این اصل که مکان زندگی، کار، رفت‌وآمد و در مجموع فضای تعاملات انسانی از یک‌سو، باید جزئی از نظم موجود در طبیعت باشد و از سویی دیگر باید پیوندی عمیق با خاستگاه فرهنگی تاریخی داشته باشد، خود موجب طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا، با توجه به نظام متعادل خلقت و متناسب با میراث فرهنگی و تاریخی می‌شود. بنابراین عملکرد شهر در ایجاد فضایی با هویت، دارای روح حاکم بر شهر، برخوردار از هیاهوی شهری لازم، نشاط و با تنوع کارکردی، مستلزم آن است که شهر از نمادهای مادی و معنوی و همچنین نمادهای برجسته و پراکنده برخوردار و از معضل هویت‌های نامنسجم در امان ماند. نمادهای شهری بخش گسترده و متعددی از زندگی شهری را شکل می‌دهند و بنیانی برای جذابیت شهر به حساب می‌آیند و می‌توانند در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شناسایی شوند و بر این اساس می‌توان گفت:

یکی از عواملی که شهرها را در طول تاریخشان به شهرهای برخوردار از هویت داخلی تبدیل می‌کند، میراث تاریخی شهر است که به شیوه‌های مختلف در دارایی‌های ملی و بومی نمود پیدا می‌کند، وجود چنین دارایی‌هایی موجب می‌شود که با وجود تغییرات زیادی که هر شهر، در مسیر تاریخ خود تجربه می‌کند، اعم از تغییرات بنیادی سیاسی، مذهبی، اجتماعی، فنی و... از هویتی برخوردار باشد که به‌نوعی زمان حال را به گذشته‌اش پیوند دهد یا به عبارتی تداوم تاریخی شهر را منعکس کند (عاملی، ۱۳۹۶: ۴۰۳).

شهرها می‌توانند به‌عنوان مجموعه‌ای از سرمایه‌های مختلف، نقش مهمی در هویت‌بخشی، توسعه و پیشرفت اجتماعی - اقتصادی در سطح کلان، داشته باشند. اما آنچه اهمیت می‌یابد برقراری ظریف و دقیق و البته تأثیر تعیین‌کننده عناصر قدیمی شهر با و بر پدیده‌های ویژه زندگی مدرن امروز است، آن‌چنانکه به حفظ انسان و ابقای پیوند با محیط طبیعی کالبدی و اجتماعی - فرهنگی و کسب هویتی منجسم و شناسا و در نهایت توسعه پایدار بینجامد؛ این نیز سازوکار و راهبردهایی را در جهت نیل به مقصود، می‌طلبد.

روایت فردوسی از عناصر معماری و کاربری شهری و توصیف او از ساخت شهرها، سرمایه اقتصادی را به ذهن متبادر می‌کند، اما با روایت‌سازی و اجرای تدابیری، قابلیت تبدیل به سرمایه نمادین را پیدا می‌کنند. البته این فرایند تبدیل سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در شهرها نمود دارند، می‌تواند هویت شهری را نیز مستحکم‌تر کند و از این طریق تاب‌آوری شهرها را نیز

افزایش دهد. در این میان، پرسش اساسی آن است که با چه راهبردهایی می‌توان این سرمایه‌ها را پیگیری کرد؟ پاسخ البته بسته به شرایط هر منطقه متفاوت خواهد بود، اما می‌توان به راهبردهایی مشترک در هر مورد دست یافت.

۶-۲. راهبردهای نمادین‌سازی سرمایه‌ها با اتکا به توصیفات شاهنامه

شهرها به‌عنوان اصلی‌ترین فضاهای زیست انسانی، نیازمند شناسه و هویتی هستند تا از فراموشی و زوال در امان مانند و هر چه بیشتر در مسیر توسعه و پایداری قرار گیرند. در این میان نقش سرمایه‌های فرهنگی که قابلیت تبدیل به سرمایه‌های نمادین را دارند، برای هویت‌بخشی به شهرها و یا بازآفرینی آن، بیش از دیگر گونه‌های سرمایه است؛ به‌ویژه زمانی که این سرمایه‌های فرهنگی به سرمایه نمادین تبدیل می‌شوند، تأثیر هویتی آن‌ها، دوچندان می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به غنای شاهنامه در زمینه داستان‌ها، شخصیت‌ها و رویدادهای گوناگون، می‌توان از آن به‌عنوان یک سرمایه فرهنگی و هویتی برای شهرها استفاده کرد که این هویت شهری قوی، توسعه همه‌جانبه شهر را نیز ممکن می‌سازد. از این نظر سکونتگاه‌های شهری با بکارگیری سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با شاهنامه و با اجرای تدابیر و راهبردهایی قابلیت تبدیل به سرمایه نمادین را کسب می‌کنند؛ راهبردهایی که هویت شهری را مستحکم‌تر و توسعه پایدار را بر این مؤلفه‌ها استوار می‌کنند:

- ۱- الهام‌بخشی در طراحی شهری؛
- ۲- برگزاری رویدادهای فرهنگی؛
- ۳- ایجاد مراکز فرهنگی؛
- ۴- ترویج گردشگری فرهنگی؛
- ۵- ایجاد سایت‌های روایی و بازسازی سه‌بعدی؛
- ۶- بازآفرینی مکان‌ها و تصویرسازی رخدادهای مکانی و زمانی آن؛
- ۷- تزئین شهر با نقاشی دیواری برگرفته از آیین‌های پهلوانی؛
- ۸- برگزاری جشنواره‌های موسیقایی و محلی؛
- ۹- برخورداری شهرها و مناطق از تولیدات محصولات ویژه و صنایع دستی؛
- ۱۰- ساخت پویانمایی؛

۱۱- ساخت المان‌ها و مجسمه‌های شهری؛

۱۲- اردوهای علمی دانش‌آموزان به‌عنوان منبعی برای یادگیری و تجربه علائق مشترک؛

۱۳- برگزاری تورها و مسیرهای شاهنامه‌محور و تشکیل یک شبکه تاریخی معنادار؛

۱۴- میزبانی رویدادهای ورزشی به‌عنوان نمایش رسانه‌ای قابل‌ملاحظه به دیگران؛

۱۵- ایجاد سایت‌های کشاورزی؛

۱۶- بسترسازی مناسب برای پارک‌های موضوعی تاریخی یا موزه زندگی گذشتگان.

۳-۶. نمونه‌های مصداقی از ظرفیت‌های موجود برای اجرایی شدن راهبردها

این نکته را باید در نظر داشت که هر کدام از مصادیق ذکرشده در زیر امکان بهره‌بردن از تمام راهبردهای ذکرشده را دارند، اما راهبرد پیشنهادی صرفاً بهترین راهبرد برای هویت‌بخشی و توسعه پایدار آن منطقه به‌نظر می‌آید؛ بنابراین چه‌بسا پس از توسعه مکان‌های یادشده در زیر، راهبردهای دیگر نیز اجرا شود و ظرفیت‌های بالقوه این مناطق بالفعل گردد. نکته دیگر آن‌که هدف از این پژوهش ارائه راهبرد است و مصادیق ذکرشده در زیر، صرفاً پیشنهادهایی بر درک این راهبردها هستند؛ بنابراین بی‌تردید در گستره عظیم شاهنامه نمونه‌های دیگری نیز می‌توان یافت.

۱-۳-۶. الهام‌بخشی در طراحی شهری

از مهم‌ترین عوامل مؤثر در طراحی بومی، مفاهیم فرهنگی هستند. فرهنگ بومی در یک منطقه هویتی خاص به آن منطقه و ساکنان آن می‌بخشد. ساخت عناصر شهری با اصول و ارزش‌های مأخوذ از فرهنگ و تاریخ، موجب آفرینش و ارتقای هویتی می‌شود که تصویری کم‌نظیر از سرگذشت تاریخی را در قالبی به نام شهر، پی‌ریزی می‌کند. بازآفرینی عناصر شهری مبتنی بر الگوهای موجود در شاهنامه، معناداری به زندگی شهر را موجب می‌شود.

شهر گناباد با وجود کشاورزی پر رونق و کشت گسترده زعفران و دیگر محصولات کشاورزی و باغی و از سوی دیگر وجود عمیق‌ترین و پرآب‌ترین قنات ایران، همچنان از توسعه و پیشرفت دور است. یادکرد این شهر در نبرد میان ایران و توران، می‌تواند در خلق پارک‌های موضوعی و سفر تصویری بازدیدکنندگان، اثرگذار باشد. بهیهان نیز در استان خوزستان و قرارگیری شهر قدیمی ارجان در نزدیکی آن که ساخت آن را به ساسانیان نسبت می‌دهند در کنار طبیعت و نرگس‌زار قدیمی این شهر و همچنین وجود یکی از منزلگاه‌های مسیر هجرت امام رضا (ع) از مدینه به مرو، با وجود چنین جاذبه‌های مذهبی،

تاریخی و فرهنگی، ضمن قرارگیری در مسیر توسعه، قابلیت معنادهی به شهرها و نواحی اطراف را نیز فراهم می‌سازد. همچنین توصیفات فردوسی از دو باغ‌شهر (ورجمکرد) و (گنگ‌دژ)، می‌تواند دست‌مایه ساخت شهری با مختصات گفته شده در شاهنامه باشد؛ به‌ویژه آن‌که با توجه به موقعیت مکانی و شرایط محلی در نواحی مرزی شرق و غرب ایران، چنین راهبردی می‌تواند به یک مکان گردشگری قابل‌توجه تبدیل شود.

۶-۳-۲. برگزاری رویدادهای فرهنگی

آیین‌ها و رویدادهای مرتبط با شاهنامه، داستان‌ها و شخصیت‌های آن، می‌تواند با همراهی و استقبال عموم مردم روبه‌رو شود و این دقیقاً همان چیزی است که برای نمادین‌سازی سرمایه‌های فرهنگی به آن نیازمندیم؛ به‌ویژه که در جشنواره‌ها امکان خلق و ارائه آثار هنری و صنایع دستی پدید می‌آید که همسویی این آثار با سرمایه فرهنگی هدف، می‌تواند از آن سرمایه نمادین بسازد.

روز پنجم فرودین به نام روز «ملی دارابگرد» نام‌گذاری شده است. در این شهر، هر ساله جشنواره‌ای با محوریت شاهنامه برگزار می‌شود و با دعوت از شاعران، هنرمندان و فعالان رسانه‌ای و مجازی، آثار و طرح‌هایی ارائه می‌شود. این امر، ضمن توسعه فرهنگی، ارتقای صنعت گردشگری بومی این شهرستان را نیز به‌دنبال دارد. شهر طوس که خود در گذشته، ولایتی آباد و از مراکز علمی بااهمیت در شرق ایران بوده است، اکنون منطقه‌ای کوچک است که تنها ویرانه‌هایی از آن شکوه باقی مانده است. بر این اساس، تلاش برای برگزاری مراسم و جشنواره‌های موضوعی نیز، در شناساندن طوس و هویت‌بخشی هر چه بیشتر آن، مؤثر خواهد بود.

۶-۳-۳. ایجاد مراکز فرهنگی

مراکز و کتابخانه‌های مرتبط با شاهنامه، می‌تواند به نمایش آثار و تصاویر شاهنامه، برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های فرهنگی، تحقیقات و مطالعات مرتبط با آن بپردازند. مراکز فرهنگی و کتابخانه‌ها با تجهیز به نسخه‌های معتبر شاهنامه و تربیت و حضور مربی متخصص و انجام فعالیت‌هایی چون روخوانی صحیح تا نمایش خلاقانه شاهنامه محور، امکان آشنایی با ادبیات کهن را فراهم کرده و از همین روی شاهنامه‌خوانی و شاهنامه‌پژوهی می‌تواند یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های هر مرکز فرهنگی، هنری و ادبی باشد. بوم‌میشان (دشت آزادگان) ازجمله شهرستان‌های ساخته‌شده توسط اردشیر ساسانی در استان خوزستان و مرز عراق است که به دلیل پیشینه قوی، ساخت کتابخانه‌ها، فرهنگسراهای شاهنامه محور برای کودکان و نوجوانان، زمینه آشنایی بیشتر این نسل را با شخصیت‌ها و اسطوره‌های میهنی، فراهم می‌کند.

۴-۳-۶. ترویج گردشگری فرهنگی

ایجاد مسیرهای گردشگری مرتبط با داستان‌ها و مکان‌های مهم شاهنامه، ضمن برقراری تعاملات میان فرهنگی میان ساکنان منطقه میزبان و گردشگران و حفظ سنن و ارزش‌ها، موجب ارتقای سطح زندگی، رفاه عمومی و در نهایت توسعه پایدار می‌شود. اما با توجه به قابلیت‌های پراختبار مناطق یادشده در شاهنامه، برخی از آنان در میزان برخورداری از تراکم توسعه و میزان بهره‌مندی از امکانات، سهم مناسبی را نداشته و با رکود و بی رونقی مواجه می‌باشند. از این رو، بکارگیری ملزومات و برنامه‌ریزی کالبدی در جهت رونق بخشی هر چه بیشتر صنعت گردشگری، راهگشاست.

مرزتور که در جنگ‌های میان ایران و توران به عنوان یکی از مرزهای شرقی کشور تعیین شده بود و اکنون به نام مزدآوند در شهرستان سرخس کنونی خوانده می‌شود؛ با قرارگیری در مسیر جاده تاریخی ابریشم و وجود چشم‌اندازهای طبیعی، قابلیت مضاعفی برای تبدیل به سرمایه نمادین را داراست. از آن جا که این شهر کهن منبع درآمدی برای اشتغال ساکنانش ندارد، توسعه زیرساخت‌های گردشگری، کاراترین راهبرد برای کسب رفاه و توسعه این منطقه است.

۵-۳-۶. ایجاد سایت‌های روایی و بازسازی سه بعدی

تلفیق نور و صدا، این امکان را به گردشگران می‌دهد تا بخشی از رویدادها و آداب و رسوم تاریخی و فرهنگی شهرها را با درکی ژرف و تجربه‌ای عینی از بستر زمان و مکان، لمس و مشاهده کنند. ظهور این تکنولوژی‌ها، همه جنبه‌های زندگی و نهادهای اجتماعی به‌ویژه صنعت گردشگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود شیوه‌های نوینی در مسافرت‌های درون شهری و جهانگردی به وجود آید و تأثیرات عمیقی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به وجود آورد. این فناوری‌های جدید، فرصت‌های بیشتری را برای افراد در کل جهان فراهم خواهند نمود، به گونه‌ای که سفرها را برای بسیاری افراد مقرون به صرفه، کارا و در دسترس می‌نماید.

آتشکده‌ها، گذشته از کارکرد آیینی و مذهبی که در دوران باستان داشته‌اند و جایگاه ویژه‌ای در ساخت شهرها داشته‌اند؛ نقش پررنگی نیز در شکل دادن به هویت اجتماعی و به دنبال آن، تقویت یگانگی و همبستگی اجتماعی بر عهده داشته‌اند و بر این اساس برخی وقایع تاریخی در ایران باستان را نیز تبیین می‌کنند. آتشکده آذرگشسپ نماینده طبقه جنگاوران و ارتشیاران در استان اردبیل و آتشکده آذربزرین مهر متعلق به توده مردم و کشاورزان در نزدیکی شهر سبزوار، هم به لحاظ معماری خاص و هم از جهت آیینی، گردشگران این بار در فضایی مجازی به تماشای اجرای مناسک مذهبی می‌نشینند.

۶-۳-۶. بازآفرینی مکان‌ها و تصویرسازی رخدادهای مکانی و زمانی آن

بازآفرینی مکان‌هایی که زمانی کهن در پهنه زمین دارای نقشی در رویدادها و چه‌بسا در ذهن انسان‌ها، عامل نزدیکی و همگونی بوده‌اند و اکنون تنها نامی از آنان باقی مانده است از آن جهت که خود سرمایه فرهنگی خوانده می‌شوند، ظرفیت بالایی برای تبدیل به سرمایه نمادین را دارا هستند. گندشاپور یکی از این آبادی‌های ارزشمند است. این شهر مهم ساسانی زمانی از بزرگ‌ترین مراکز علمی و پزشکی بوده است. بر این اساس شهر دزفول با نزدیکی به این شهر کهن می‌تواند هویتی جدید مبتنی بر شاهنامه افزون بر شرایط مساعد کشاورزی کسب کند. سیراف کهن یا آبادی طاهری کنونی نیز از چنین شرایطی برخوردار است. این شهر مهم دوره ساسانی در گذشته یکی از راه‌های اتصال بین‌المللی و تجارت بوده است. بقایای شهر اصطخر باستانی از شهرهای بااهمیت هخامنشی که در شاهنامه از آن یاد شده است نیز در چنین جایگاهی قرار دارد. بازآفرینی شهرهایی با این مختصات، موجب سفر ذهنی بازدیدکنندگان و گردشگران می‌شود. بقایا و آثار شهر کهن خرده‌اردشیر در نزدیکی فیروزآباد و دارابگرد با ویرانه‌هایی به نام قلعه دهیا و همچنین، ویرانه‌های شهر تمیشه در نزدیکی گرگان، خبر از شهرهایی باستانی با تأسیسات دفاعی عظیم می‌دهد. این شهرهای ساسانی که در شاهنامه هم از آن‌ها نام برده شده است، واجد چنین راهبردی هستند.

۶-۳-۷. تزیین شهر با نقاشی دیواری برگرفته از آیین‌های پهلوانی

نقاشی دیواری، شناسنامه رنگی یک شهر محسوب می‌شود، به گونه‌ای که علاوه بر زیباسازی محیط شهری، می‌تواند پیام‌های عمیق و مفاهیم اصیل ایرانی را به مخاطبان ارائه کند. این هنر، ضمن افزایش تبادلات فرهنگی، موجب ایجاد وفاداری به هویت یک منطقه و یا یک شهر می‌شود. پیوند نقاشی دیواری با ادبیات کهن و اساطیر، افزون بر آشنایی ساکنین با مفاهیم شاهنامه و ایجاد حس شادمانی و نشاط از تلفیق رنگ‌ها، موجب خلق هویتی جدید مبتنی بر رویدادهای خاص مکانی نیز می‌شود. جانمایی گفتگوهای میان خسروپرویز و بهرام چوبینه در شهر ری همراه با تلفیق خط و نقش بر دیوارهای شهر، ضمن رنگ‌پاشی و حفظ بصری، سبب می‌شود ساکنان و رهگذران، داستانی به وسعت یک شهر را دنبال کنند.

۶-۳-۸. برگزاری جشنواره‌های موسیقایی و محلی

موسیقی محلی یکی از ارکان فرهنگ ایرانی است که می‌تواند به عنوان یک فاکتور انگیزشی برای یک مقصد خاص عمل کند. شعر حماسی با کاربرد عناصر رزمی و حماسی؛ واژگانی با هجاهای بلند و کشیده، توصیف‌های صریح، اغراق و رجزخوانی و واج‌آرایی، کلمات و سکون واج‌ها، کوشش می‌کند تا مفاهیم اصیلی را به روشی حماسی به خواننده و شنونده انتقال دهد. روایت صحنه‌های رویارویی

پهلوانان، مبالغه‌ها، فخرفروشی‌ها و تلفیق آن با موسیقی اقوام؛ هویت‌بخشی قوم، ماندگاری اقوام و ارتباط با گذشته را به دنبال خواهد داشت. موسیقی محلی آذربایجان خود به تنهایی یک جاذبه فرهنگی است. توسعه این محصول به صورت جشنواره و تلفیق آن با اشعار شاهنامه، این منطقه را به یکی از مکان‌های قوی گردشگری تبدیل می‌کند. افزون بر آن، قابلیت موسیقی در ایجاد هویت و حس پیوستن به مکان و رویدادهای خاص اهمیت آن را، دوچندان می‌کند. گیلان به دلیل تنوع سبک‌های موسیقیایی و اورمزد یا اهواز کنونی از جمله شهرستان‌های یادشده در شاهنامه، چنین راهبردی پیشنهاد می‌شود.

۹-۳-۶. برخورداری شهرها و مناطق از تولیدات محصولات ویژه و صنایع دستی

صنایع هنری و دستی، نمادی از تفکر، هویت و هنرپویای یک منطقه محسوب می‌شوند. این صنایع ضمن ترویج و حفظ ارزش‌های فرهنگی یک جامعه، نقشی مهم در توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال در مناطق محروم و کم‌برخوردار بر عهده دارند که ضمن ارتقای فرهنگ محلی و بومی، روایت‌گر تاریخ و ادبیات و هنر یک کشور نیز هستند. از این نظر می‌توان از شهرهای ابرقو و جز که در شاهنامه با صنایعی چون لباس و خز نشان‌دار شده اند، نام برد. قرارگیری ابرقو در مسیر جاده ابریشم و سرو استوار آن، هویت‌بخشی به این شهر کویری و توسعه پایدار در آن را میسر می‌سازد. نشان‌دار کردن محصولات هنری از منابع و سرمایه‌های فرهنگی، علاوه بر این‌که موجب تقویت تصاویر مثبت نسبت به مکان می‌شود، رونق گردشگری را نیز به دنبال خواهد داشت.

۱۰-۳-۶. ساخت پویانمایی

شاهنامه علاوه بر ظرفیت‌های عام دراماتیک، از ویژگی‌های تصویری، محتوایی و روایی خاص برای اقتباس انیمیشنی برخوردار است؛ آن‌گونه که وجود شخصیت‌های پیچیده و جذاب نمادین، تنوع رنگ و حرکت، وجود مکان و زمان‌های گوناگون در سفر و شرح جدال و نبردها، ظرفیت غنی را برای شهرهایی که محل وقایع شاهنامه بوده‌اند امکان‌پذیر می‌کند. روایت‌های تازه و متفاوت فردوسی و بیان اصول فردی و اجتماعی در خلال داستان‌ها، حاوی نکات فرهنگی و ارزشی است که می‌توان آن را از طریق ساخت انیمیشن به کودکان و نوجوانان منتقل کرد. به گفته فردوسی ساکنان اردبیل در نبرد یازده‌رخ کیخسرو به کمک لشکر ایران آمدند. روایت‌مند بودن این اتفاق می‌تواند دستمایه خلق مجموعه انیمیشن‌هایی شود به محوریت مکانی اردبیل.

۱۱-۳-۶. ساخت المان‌ها و مجسمه‌های شهری

آن‌چه فضای‌های شهر را پویا و جذاب ساخته و سبب ایجاد رضایت و نشاط در بین ساکنان شهر و جذب گردشگران می‌شود، تاریخ بصری و منظر شهری است که نمود ویژه آن در المان‌ها و نمادهای

شهری قابل رؤیت است. المان‌های شهری نقش مهمی در فرایند شکل‌گیری، تغییر و بازتولید هویت شهری دارند البته که مهم‌ترین مؤلفه اثرگذار بر هویت کالبدی شهری، تاریخی‌بودن و بومی‌بودن آن است که خود، تداعی‌کننده فرهنگ، تاریخ و همبستگی اجتماعی شهروندان می‌باشد. از این نظرگاه، حماسه فردوسی از چنان ظرفیت غنی و پراعتباری بهره‌مند است که ضمن روایت‌گری و توصیف وقایع محلی و بومی، به‌عنوان المانی خاص، وسعت فضایی را خلق می‌کند به فراخنای تاریخ و فرهنگ. شهرهای بسطام و گناباد با وجود یادکردهای فراوان در شاهنامه با چیدمان و جانمایی المان‌های شهری، می‌توانند به شهری هویت‌مدار مبدل گردند.

۱۲-۳-۶. اردوهای علمی دانش‌آموزان به‌عنوان منبعی برای یادگیری و تجربه علائق مشترک

بازدید نوجوانان و جوانان از اماکن باستانی به آنان کمک می‌کند براساس روایت داستان و رویداد آن محل، یافته‌هایشان از آن داستان‌ها را در قالب خلق متن ادبی و بازآفرینی در کارگاه‌های هنری ارائه کنند. چراکه آشنایی با شاهنامه، حکمت، مهر، نیک‌اندیشی، داد و صلح و افزون بر آن هویت ملی را در مخاطبان، افزون می‌کند. کاشمر با ظرفیت متنوع کشاورزی و پیشینه تاریخی که نشان از هویت و دیرپایی «ترشیز بزرگ» بر پهنه این کهن بوم دارد؛ نیازمند شناسنامه‌ای دقیق و قابل‌قبول است تا در اختیار دانش‌آموزان و گردشگران قرار بگیرد. ازجمله شناسه‌های هویتی این شهر، آتشکده آذربرین مهر در کنار عناصر شهری دیگر چون مسجد جامع، بازار، مدارس علمیه، کاروانسراها و... است که مجموعه‌ای از عناصر کاربردی را تشکیل می‌دهند در جهت ارتقای هویت شهر. توس و شوش نیز چنین راهبردی را می‌پذیرند.

۱۳-۳-۶. برگزاری تورها و مسیرهای شاهنامه‌محور و تشکیل یک شبکه تاریخی معنادار

جاذبه‌های کوچک‌مقیاس، به‌صورت انفرادی شاید چندان جذاب نباشند، اما زمانی که به محوطه‌های دیگری در یک مسیر یا جاده موضوعی متصل شوند، یکدیگر را تقویت کرده و محصول بزرگ‌تری را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، حکیم طوس در توصیف صحنه‌های بزم و رزم، از توالی و پیوستگی وقایع و محل آن‌ها، به‌نوعی سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته خلق می‌کند که برای مخاطبان و بازدیدکنندگان امروز، یک سرمایه نمادین بزرگ است. افزون بر آن در این جاده تاریخی، می‌توان از رهیافت‌های دیگری چون، برگزاری جشنواره‌ها، ساخت فرهنگ‌سراهای موضوعی و کارگاه‌های شاهنامه‌خوانی نیز بهره جست که احیای صنایع بومی و تسریع رشد اقتصادی شهرها و حوزه نفوذ آن را ممکن و میسر می‌سازد. شهر - دژهایی که در شاهنامه از آن‌ها یاد شده است ضمن برخورداری از جاذبه‌های طبیعی، توالی رویدادها را در یک شبکه منسجم و به‌هم پیچیده برای بازدیدکنندگان و گردشگران بازآفرینی می‌کند. شهرهای بیشابور، داراب، فسا، فیروزآباد در استان فارس، می‌توانند محور ارتباطی تاریخی و فرهنگی را تشکیل دهند.

۱۴-۳-۶. میزبانی رویدادهای ورزشی به عنوان نمایش رسانه‌ای قابل ملاحظه به دیگران

میزبانی رویدادهای ورزشی، فرصت ارزشمندی است برای جوامع محلی و شهرهای کوچک تا هم در رشد و توسعه اقتصادی چون بهبود کسب و کار و رشد سرمایه‌گذاری‌ها گام بردارند و هم تعامل و تبادل فرهنگی با دیگر مناطق برقرار شود. تأثیر حضور تماشاگران و گردشگران در این شهرها و معرفی آداب و رسوم و فرهنگ میزبان، موجب احیا صنایع دستی و هنرهای بومی و محلی میزبان می‌شود. در این راستا شاخص بودن استان‌های شمالی در کشتی و ورزش‌های پهلوانی همسو با ادبیات و اسطوره‌های کهن، منجر به کسب هویت جدید می‌شود. از شهر گیلان در کشتی و شهر خرم‌آباد در ورزش‌های زورخانه‌ای و باستانی در این راهبرد می‌توان نام برد.

۱۵-۳-۶. ایجاد سایت‌های کشاورزی با هدف تلفیق فرهنگ و طبیعت

ایجاد سایت‌ها و مؤسسات تحقیقات کشاورزی، ضمن کمک به حفظ مزارع کشاورزان و رونق اقتصاد محلی می‌تواند با متنوع‌سازی کارکرد مزارع، وابستگی خانواده‌های کشاورز را به محصولات کشاورزی کاهش دهند؛ این متنوع‌سازی مزرعه که شامل فعالیت‌های فرهنگی، سرگرمی و اوقات فراغت است، اگر مبتنی بر سرمایه‌های فرهنگی، ادبی و اسطوره‌ای باشد علاوه بر جهت‌مند کردن این فعالیت‌ها، راهبردی قدرتمند، برای توسعه اقتصادی، احیا و بازسازی نواحی روستایی است و مهم‌ترین اثر آن، کاهش مهاجرت روستاییان به شهر است. ایجاد سایت کشاورزی در روستای بغمنج (بقمج) چناران همراه با ارائه خدماتی به گردشگران، چون اقامت در مزرعه، چیدن محصول، بسته‌بندی آن به نام محل تولید، گشت و گذار و بازدید از روستا و جاذبه‌های آن به عنوان یک میراث فرهنگی، بیانگر واقعیت تاریخی و جغرافیایی می‌باشد. روستای چرم نیز که بارها در شاهنامه از آن نام برده شده است، چنین جایگاهی دارد.

۱۶-۳-۶. بسترسازی مناسب برای پارک‌های موضوعی یا موزه زندگی گذشتگان

برجسته‌سازی برخی دوره‌های زمانی که با فرهنگ و سنن خاصی نمود پیدا می‌کنند، موجب القای حس غرور ملی و وطن‌دوستی در بازدیدکنندگان و گردشگران می‌شوند؛ چگونگی ساخت منازل، مناظر خیابان، الگوهای کشاورزی در بستری از پارک‌های موضوعی در کنار تفریح و گذران اوقات فراغت، تعمیق و تقویت تصاویر ذهنی بینندگان از گذشته‌ای ممتاز را موجب می‌شود. بخشی از هویت شهری جهرم با مسئله فضای سبز پیوند دارد؛ به شکلی که باغ‌شهرهای جهرم، نمایانگر خلاقیت اندیشه ایرانی در سازگاری با اقلیم گرم و خشک این شهر بوده است. اما به تدریج سکونتگاه‌های انسانی و ساخت‌وسازهای بی‌رویه، جایگزین فضای سبز شده است. بر این اساس، ایجاد پارک‌های موضوعی و

فضای سبز شهری، ضمن آثار زیست‌محیطی فراوان، می‌توانند جهت و هویت فرهنگی نیز به شهر دهند. خوارری (گرمسار)، بندرسیراف (آبادی طاهری) و قم می‌توانند چنین راهبردی را بپذیرند.

نتیجه

افزون بر اثر عوامل طبیعی در شکل‌گیری شهرها، آن‌چه که موجب تداوم یک شهر می‌شود، هویت‌مداری آن است؛ هویت شهری به راحتی ساخته نمی‌شود، نیاز به زمان دارد تا آرام‌آرام شکل گیرد و حاصل سرمایه‌گذاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسل‌های پیشین است. یافته‌های پژوهش پیش‌رو خاطرنشان می‌سازد که شهر برخلاف تصور عموم، صرفاً میدان قدرت یا اقتصاد نیست؛ میدان‌گاه سترگ تبدیل و تحول سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی است و در این عرصه، اگر جنس سرمایه فرهنگی، به‌ویژه از گونه نمادین آن، فراهم نباشد؛ توسعه پایدار و هویت پایا، امکان‌پذیر نخواهد بود. شاهنامه به‌عنوان یک ظرفیت گسترده و بی‌بدیل برای نمادین‌سازی سرمایه‌ها، قابلیت به‌سزا برای بهبود وضعیت شهرهای از این منظر دارد. کشف و فراهم‌ساختن امکانات برای نمادین‌سازی سرمایه‌های شهری ایران با تکیه بر شاهنامه، بهترین راهبرد برای بهبود وضعیت گردشگری و تعمیق هویت ملی است.

جدول راهبردها و نتایج حاصل از آن

راهبردها	نتایج	مصادیق
- الهام‌بخشی در طراحی شهری	- معنادگی و هویت‌بخشی - گردشگری تاریخی و مذهبی	- شاپورگرد (بیشابور) - گنگ‌دژ
- برگزاری رویدادهای فرهنگی	- رونق گردشگری بومی	- دارابگرد (داراب)، توس
- ایجاد مراکز فرهنگی	- ساخت و برپایی موزه فرهنگ و هنر، - فرهنگسراها، کتابخانه‌ها	- بوم‌میشان (دشت آزادگان)
- ترویج گردشگری فرهنگی	- گسترش تبادلات فرهنگی میان گردشگران و افراد بومی، توسعه پایدار	- مرزتور (مزدآوند)
- ایجاد سایت‌های روایی و بازسازی سه‌بعدی	- توسعه و برندسازی مراکز فناوری و محصولات فرهنگی فناورانه، گردشگری مجازی	- آتشکده آذرگشسپ در اردبیل و آتشکده آذربرزین‌مهر در نزدیکی کاشمر و سبزوار
- بازآفرینی اماکن خاص و تصویرسازی رخدادهای مکانی و زمانی	- ارتقا و احیای هویت - سفر ذهنی بازدیدکنندگان	- گندش_____اپور (دزفول)، سیراف (آبادی طاهری)، - اصطخر (مرودشت)، تمیشه (گرگان)

- تزئین شهر با نقاشی دیواری برگرفته از آیین‌های پهلوانی	- وفاداری به هویت یک منطقه - زیباسازی شهر	- ری
- برگزاری جشنواره‌های موسیقایی و محلی	- هویت بخشی قوم، ماندگاری اقوام، - ارتباط با گذشته	- اردبیل - گیلان
- برخورداری شهرها و مناطق از تولیدات محصولات ویژه و صنایع دستی	- حفظ و اشاعه هنرهای سنتی و آداب و رسوم باستانی، متنوع سازی اقتصاد محلی	- ابرقو - جز
- ساخت پویانمایی	- انتقال مفاهیم داد، خرد، صلح و مهر به کودکان و نوجوانان	- اردبیل
- ساخت المان‌ها و مجسمه‌های شهری	- ایجاد رضایت و نشاط - و افزایش همبستگی - اجتماعی شهروندان	- بسطام - گناباد
- برگزاری اردوهای علمی دانش آموزان	- یادگیری و تجربه علائق مشترک	- کاشمر، توس، شوش
- برگزاری تورها و مسیرهای شاهنامه محور و ایجاد یک شبکه تاریخی معنادار	- احیای صنایع بومی - تسریع رشد اقتصادی شهرها و حوزه نفوذ	- گرگان، سرخس، رودابد، مرزتور، بغمنج، چرم. - بیش‌آبور، داراب، فسا، فیروزآباد.
- میزبانی رویدادهای ورزشی	- برخورداری از برندهای ورزشی، باشگاه‌ها و استادیوم‌ها، توسعه روابط فکری، فرهنگی و اجتماعی جامعه میزبان و مهمان	- گیلان - خرم‌آباد
- ایجاد سایت‌های کشاورزی با هدف تلفیق فرهنگ و طبیعت	- احترام به زمینه طبیعت، ایجاد زیرساخت‌های گردشگری طبیعی، بناها، - فضاهای، باغات و محصولات کشاورزی	- بغمنج (بقمچ) - چرم
- بستر سازی برای پارک‌های موضوعی یا موزه زندگی گذشتگان	- تفریح و گذران اوقات فراغت، تعمیق و تقویت تصاویر ذهنی بینندگان از گذشته‌ای ممتاز	- جهرم، خوارری (گرمسار)، - سیراف (آبادی طاهری)، قم

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- اصلانی، فرهاد؛ تقی‌پور، معصومه. (۱۳۹۸). *هفت اقلیم: فرهنگ جغرافیایی شاهنامه*، چاپ اول، تهران: نگاه معاصر
- باستانی‌راد، حسن. (۱۳۹۳). *شهر در ایران زمین*، چاپ اول، تهران: نشر علی.
- بانددز، مایکل. (۱۳۹۵). *نظریه اجتماعی شهری (شهر، خود و جامعه)*، ترجمه رحمت‌اله صدیق سروستانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بحرینی، سید حسین. (۱۳۹۳). *تجدد، فراتجد و پس از آن در شهرسازی*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بوردیو، پی‌یر. (۱۳۸۱). *نظریه کنش*، ترجمه مرتضی مردیها، چاپ دوم، تهران: نشر نقش‌نگار.
- بیرمی، حانیه. (۱۳۸۹). *جغرافیای شاهنامه از کیومرث تا کیخسرو*، چاپ اول، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- پورتر، لیبی؛ شاو، کیتی. (۱۳۹۲). *کدام نوزایی؟ مقایسه استراتژی‌های بازسازی شهری در سطح بین‌الملل*، ترجمه منوچهر طیبیان، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۹۵). *از شار تا شهر: تحلیلی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تأثر*، چاپ پانزدهم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). *معماری و شهرسازی به روایت فردوسی*، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سیدی فرخند، سیدمهدی. (۱۳۹۸). *فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه*، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- شویره، کریستین؛ فونتین، اولیویه. (۱۳۸۵). *واژگان بوردیو*، ترجمه مرتضی کتبی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۶). *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*، چاپ اول، تهران: ققنوس.
- عارفی، مهیار. (۱۳۹۶). *کاوش در مفهوم مکان‌سازی*، ترجمه الهه پژوتن، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی شرکت عمران و بهسازی شهری.
- عامری، حمیدرضا؛ زند، صابر. (۱۳۹۳). *تاریخ شهر و شهرسازی در جهان*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

- عاملی، سعیدرضا. (۱۳۹۶). *نمادهای هویتی شهر(پاریس، مادرید، استانبول، کیوتو)*، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۶). *شاهنامه*، جلد اول، تصحیح جلال خالقی مطلق، چاپ دوم، نیویورک.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۹). *شاهنامه*، جلد دوم، تصحیح جلال خالقی مطلق، چاپ دوم، نیویورک.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۳). *شاهنامه*، جلد چهارم، تصحیح جلال خالقی مطلق، چاپ دوم، کالیفرنیا: بنیاد میراث ایران.
- کریمان، حسین. (۱۳۷۵). *پژوهشی در شاهنامه*، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان ملی اسناد ایران.
- گرنفل، مایکل. (۱۳۸۹). *مفاهیم کلیدی پی‌یر بوردیو*، ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: نشر افکار.
- مجتهدزاده، غلامحسین. (۱۳۸۲). *برنامه‌ریزی شهری در ایران*، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۹۲). *مجموعه مقالات سمینار بازنمایی فضاهای شهری در هنر و ادبیات*، چاپ اول، تهران: نشر شهر.
- **مقاله‌ها**
- جنیدی، فریدون. (تابستان ۱۳۸۹). «یک‌جانشینی و شهر در شاهنامه»، *منظر*، شماره ۱۰، صص ۹-۶.
- درینی، ولی محمد؛ تابان، محمد؛ نامدارجوینی، احسان و باهنر، ناصر. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه سرمایه نمادین با سرمایه فرهنگی»، *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، سال شانزدهم، شماره ۳۱، صص ۲۰۱-۱۸۷.
- رنانی، محسن. (۱۳۹۰). «تخریب سرمایه‌های نمادین یا توقف توسعه در ایران»، *آیین گفتگو*، سال اول، شماره ۱، صص ۶۹-۶۳.
- زنجانی‌زاده، هما. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال اول، شماره ۲، صص ۳۹-۲۳.
- صاحب‌محمدیان، منصور؛ حاتمی‌مجد، فائزه. (۱۴۰۱). «بررسی فرضیه تشابه ورجمکرد اسطوره‌ای با ساختارهای خشتی مکشوف در محوطه هگمتانه»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، سال دوازدهم، شماره ۳۲، صص ۲۴۹-۲۷۵.
- صادقی‌منش، علی. (۱۴۰۱). «بررسی تأثیر روایت‌های اسطوره‌ای بر تاب‌آوری شهرها»، *ادب حماسی*، سال هجدهم، شماره ۳۳، صص ۲۲۱-۱۹۷.

- محمدی، فردین. (۱۳۹۸). «دیدگاه بورلیو در باب میدان آموزش: فراسوی دیدگاه‌های تضاد و کارکردگرایی». *مبانی تعلیم و تربیت*، سال نهم، شماره ۱: صص ۲۵-۵. مشهد.
- منصوری، سینا. (۱۴۰۰). «بکارگیری مبانی و اصول فرهنگ ایرانی - اسلامی در طراحی فضاهای شهری ایرانی معاصر»، *مطالعات مدیریت شهری*، سال سیزدهم، شماره ۴۵، صص ۲۷-۴۶.
- یوسفی، مریم؛ ضرابی، مریم. (۱۳۹۵). نقش فردوسی در معماری ایران، سومین همایش بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، صص ۸-۱.

منابع لاتین

- Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*. In J. Richardson (Ed.) Handbook of Theory and Research for the of Sociology of Education (New York, Greenwood).
- Bourdieu, P. (1983). «The field of cultural production», or: «The economic world reversed» *Poetics 12*, pp. 311-356.

References

Books

- Ameli, Saeid Reza. (2017). City Identity Symbols (Paris, Madrid, Istanbul, Kyoto), 1st ed. Tehran: Tehran University Press.
- Ameri, Hamidreza; Zand, Saber. (2014). History of City and Urban Planning in the World, 1st ed. Tehran: Payame Noor University Press.
- Arefi, Mahyar. (2017). Exploring the Concept of Placemaking ,Translated by Elaheh Pejootan. 1st ed. Tehran: Cultural Research Bureau of Urban Development and Revitalization Company.
- Aslani, Farhad; Taghipour, Masoumeh. (2019). *Haft Eqlim: The Geographical Culture of Shahnameh*, 1st ed. Tehran: Negah-e Moaser.
- Bahreini, Seyed Hossein. (2014). *Modernity, Post-Modernity and Beyond in Urban Planning*, 5th ed. Tehran: Tehran University Press.
- Banas, Michael. (2016). *Urban Social Theory* (City, Self, and Society), Translated by Rahmatollah Seddigh Sarvestani. 3rd ed. Tehran: Tehran University Press.
- Bastani-Rad, Hasan. (2014). *The City in the Land of Iran*, 1st ed. Tehran: Nashr-e Ali.
- Birami, Hanieh. (2010). Geography of Shahnameh from Kayumar to Kaykhosrow, 1st ed. Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing and Printing Institute.

- Bourdieu, Pierre. (2002). Theory of Action, Translated by Morteza Mardiha. 2nd ed. Tehran: Naghsh-e Negar Publication.
- Ferdowsi, Abolghasem. (1987). Shahnameh, Vol. 1. Edited by Jalal Khaleghi Motlagh. 2nd ed. New York.
- Ferdowsi, Abolghasem. (1990). Shahnameh, Vol. 2. Edited by Jalal Khaleghi Motlagh. 2nd ed. New York.
- Ferdowsi, Abolghasem. (1994). Shahnameh, Vol. 4. Edited by Jalal Khaleghi Motlagh. 2nd ed. California: Iran Heritage Foundation.
- Grenfell, Michael. (2010). Key Concepts of Pierre Bourdieu. Translated by Mohammad Mehdi Labibi. Tehran: Afkar Publication.
- Habibi, Seyed Mohsen. (2016). From Shar to Shahr: An Analysis of the Concept of City and its Physical Form: Thought and Impact, 15th ed. Tehran: Tehran University Press.
- Kariman, Hossein. (1996). Research on Shahnameh, 1st ed. Tehran: National Archives Organization of Iran.
- Mojtahedzadeh, Gholamhossein. (2003). Urban Planning in Iran, 4th ed. Tehran: Payame Noor University.
- Namvar Motlagh, Bahman. (2013). Collection of Articles from the Seminar on Representation of Urban Spaces in Art and Literature, 1st ed. Tehran: Shahr Publication.
- Porter, Libby; Shaw, Katie. (2013). Whose Renaissance? Comparing Urban Regeneration Strategies Internationally. Translated by Manouchehr Tabibian. 1st ed. Tehran: Tehran University Press.
- Salehi Amiri, Seyed Reza. (2007). Cultural Concepts and Theories, 1st ed. Tehran: Qoqnoos.
- Schwirer, Christian; Fontaine, Olivier. (2006). Bourdieu's Vocabulary, Translated by Morteza Kotbi. 1st ed. Tehran: Ney Publication.
- Seyyedi Farkhad, Seyed Mehdi. (2019). Culture of Historical Geography of Shahnameh, 1st ed. Tehran: Ney Publication.
- Soltanzadeh, Hossein. (2017). Architecture and Urban Planning as Narrated by Ferdowsi, 1st ed. Tehran: Cultural Research Bureau.

Articles

- Dorini, Vali Mohammad; Taban, Mohammad; Namdar Juyani, Ehsan & Baahoner, Nasser. (2015). "*Investigating the Relationship between Symbolic Capital and Cultural Capital*", Cultural-Communication Studies, Vol. 16, No. 31, pp. 187-201.
- Jonaydi, Fereydoon. (Summer 2010). "*Sedentary Life and City in Shahnameh*", Manzar, No. 10, pp. 6-9.

- Mansouri, Sina. (2021). "*Applying the Principles of Iranian-Islamic Culture in the Design of Contemporary Iranian Urban Spaces*", Urban Management Studies, Vol. 13, No. 45, pp. 27-46.
- Mohammadi, Fardin. (2019). "Bourdieu's Perspective on the Field of Education: Beyond Conflict and Functionalist Views", Foundations of Education, Vol. 9, No. 1, pp. 5-25. Mashhad.
- Renani, Mohsen. (2011). "*Destruction of Symbolic Capital or Stagnation of Development in Iran*", Ayin-e Goftogoo, Vol. 1, No. 1, pp. 63-69.
- Sadeghi-Manesh, Ali. (2022). "Investigating the Impact of Mythological Narratives on Urban Resilience", Epic Literature, Vol. 18, No. 33, pp. 197-221.
- Saheb-Mohammadian, Mansour; Hatami-Majd, Faezeh. (2022). "Investigating the Hypothesis of the Similarity of Mythical Varjamkard with Mudbrick Structures Discovered at the Ecbatana Site", *Iranian Archeological Studies*, Vol. 12, No. 32, pp. 249-275.
- Yousefi, Maryam; Zarrabi, Maryam. (2016). "*The Role of Ferdowsi in Iranian Architecture*", 3rd International Conference on New Research in Civil Engineering, Architecture and Urban Planning, pp. 1-8.
- Zanjani-Zadeh, Homa. (2004). "An Introduction to Pierre Bourdieu's Sociology", *Journal of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad*, Vol. 1, No. 2, pp. 23-39.